



The Study of the Conformity of Writing Behavior of the Authors and Users in Persian Scientific Databases to Guidelines of the Academy of Persian Language and Literature in Terms of Writing Words Continuously, Semi-Spacely and Separately

Ayoub Ranjbar

M.A. in Knowledge and Information Science, Faculty of Education and Psychology, Shiraz University, Shiraz, Iran. Email: Ayoubranjbar69@gmail.com

Javad Abbaspour

*corresponding author, Assistant Professor, Department of Knowledge and Information Science, Faculty of Education and Psychology, Shiraz University, Shiraz, Iran. Email: javadabbaspour@gmail.com

Hajar Sotudeh

Associate Professor, Department of Knowledge and Information Science, Faculty of Education and Psychology, Shiraz University, Shiraz, Iran. Email: sotudeh@shirazu.ac.ir

Amirsaeid Moloodi

Associate Professor, Department of Linguistics, Faculty of Foreign Languages and Linguistics, Shiraz University, Shiraz, Iran. Email: amirsaeid.moloodi@gmail.com

Abstract

Purpose: The overall purpose of the present study is to investigate the conformity of the writing behavior of the authors and users of the Persian scientific databases to guidelines of the Academy of Persian Language and Literature in terms of writing words continuously, semi-spacely and separately.

Methodology: This study is an applied one, and the research design is survey and content analysis. The population consists of two groups, available documents in three Persian scientific databases (i.e. Magiran, Regional Center and SID), and the Postgraduate education students of Shiraz University in the academic year of 2013-2014. The research instrument consists of two researcher-made checklists, each of which consists of 12 items of the selected rules among the approved guidelines of the Academy of Persian Language and Literature, which include the occurrence of writing words continuously, semi-spacely and separately.

Findings: The findings showed that the writing behavior of users in 23.25 percent of the cases was in line with the ten rules of the guidelines approved by the Academy of Persian Language and Literature; however, 75.76 percent of users ignored these rules. The highest rate of the Conformity was observed between the writing behavior of users with the ten rules in rule of

nine (compound words containing the suffix) and the lowest of it in rule of six (Genitives Construction) and ten (Subjective and Adjective).

Also, although the writing behavior of the authors was contrary to the ten rules of the guidelines of the Academy of Persian Language and Literature in only 40 percent of cases, 60 percent of authors followed these rules. The highest rate of the resemblance was observed between the writing behavior of the Authors with the ten rules in rule of eight (compound words containing the prefix) and the lowest of it in rule of six (Genitives Construction). Moreover, the findings showed that even though 62.6 percent of the users knew how to insert semi-spacely words through the computer keyboard, most of the users ignored this.

Originality/value: This research and similar studies could make the Academy of Persian Language and Literature aware of the writing behavior of the authors and users in electronic environments while confronting words with several writing forms. Thus, they may assist the academy in prioritization and policy-making to improve the guidelines on the Persian script. As a result, it is possible to take a standardized and unified script accepted by most of the users.

Keywords: Academy of Persian Language and Literature, Authors, Conformity, Persian script, Persian Scientific Databases, Semi-Spacely and Separately, Writing Words Continuously, Writing Behavior.

بررسی میزان انطباق رفتار نگارشی نگارندگان و کاربران پایگاه‌های اطلاعات علمی فارسی با دستورالعمل‌های مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی در ارتباط با پیوسته‌نویسی، نزدیک‌نویسی و جدانویسی کلمات^۱

ایوب رنجبر
کارشناس ارشد علم اطلاعات و دانش‌شناسی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران. رایانامه: ayoubbranjar69@gmail.com

جواد عباس‌پور
*نویسنده مسئول، استادیار گروه علم اطلاعات و دانش‌شناسی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران. رایانامه: javad.abbaspour@gmail.com

هاجر ستوده
دانشیار گروه علم اطلاعات و دانش‌شناسی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران. رایانامه: sotudeh@shirazu.ac.ir

امیر سعید مولودی
استادیار گروه زبان‌شناسی، دانشکده زبان‌های خارجی و زبان‌شناسی دانشگاه شیراز، شیراز، ایران. رایانامه: Amirsaeid.moloodi@gmail.com

چکیده

هدف: هدف کلی پژوهش حاضر شناخت میزان انطباق رفتار نگارشی نگارندگان و کاربران پایگاه‌های اطلاعات علمی فارسی با دستورالعمل‌های مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی از نظر پیوسته‌نویسی، نزدیک‌نویسی و جدانویسی کلمات است.

روش‌شناسی: پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و از نظر طرح تحقیق ارزیابانه است. جامعه پژوهش حاضر را دو گروه تشکیل می‌دهد، یکی مدارک موجود در سه پایگاه اطلاعات علمی فارسی یعنی مگیران، مرکز منطقه‌ای اطلاع رسانی علوم و فناوری و اس.آی.دی؛ و دیگری دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه شیراز در سال تحصیلی (۹۳-۹۴). ابزار پژوهش شامل دو سیاهه واری محقق ساخته بود. هر سیاهه شامل ۱۲ مصداق (کلیدواژه) از مجموع قواعد گزینش شده دستورالعمل‌های مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی بود که امکان رخداد جدانویسی، نزدیک‌نویسی و پیوسته‌نویسی آن‌ها در هنگام نگارش وجود داشت.

یافته‌ها: یافته‌های پژوهش نشان داد رفتار نگارشی کاربران تنها در ۲۳/۲۵ درصد از موارد منطبق با قواعد دهگانه دستورالعمل‌های مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی بود؛ و در مقابل، ۷۶/۷۵ درصد از کاربران این قواعد را نادیده گرفته بودند. رفتار نگارشی نگارندگان در ۴۰ درصد از موارد مغایر با قواعد دهگانه دستورالعمل‌های فرهنگستان زبان و ادب فارسی بود و در مقابل، ۶۰ درصد از نگارندگان این قواعد را رعایت کرده بودند. از دیگر یافته‌های پژوهش این بود که باوجود آشنایی ۶۲/۶ درصد از کاربران با نحوه درج نیم‌فاصله از طریق کلید رایانه، در عمده قواعد دهگانه اغلب کاربران شکل نگارشی پیشنهادی فرهنگستان، یعنی نزدیک‌نویسی را رعایت نکرده بودند.

اصالت/ارزش: به پشتوانه پژوهش حاضر و پژوهش‌های مشابه، فرهنگستان زبان و ادب فارسی می‌تواند ضمن آگاهی از سلیقه و گرایش نگارشی نگارندگان و کاربران محمل‌های الکترونیکی در زمان مواجهه با کلماتی که دارای چند شکل نگارشی هستند، نسبت به اولویت‌بخشی و سیاست‌گذاری جهت اصلاح یا بهبود دستورالعمل‌های نگارشی خط فارسی و در نتیجه محقق ساختن یک رسم‌الخط واحد و مورد پذیرش طیف گوناگون استفاده‌کنندگان گام بردارد.

کلیدواژه‌ها: پایگاه‌های اطلاعات علمی فارسی، پیوسته‌نویسی، جدانویسی، خط فارسی، رفتار نگارشی، فرهنگستان زبان و ادب فارسی، کاربران، نگارندگان، نزدیک‌نویسی.

۱. برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد علم اطلاعات و دانش‌شناسی ایوب رنجبر. دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه شیراز، ۱۳۹۶.
کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی
کتابداری و اطلاع‌رسانی، دوره ۲۲، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۸، صص. ۱۸۷-۱۶۳.
تاریخ ارسال: ۹۶/۵/۱۴ - تاریخ پذیرش: ۹۶/۸/۱۶

مقدمه

مجلات علمی از مهمترین منابع انتقال و آگاهی از آخرین دستاوردهای علمی سایر پژوهشگران به شمار می‌آید که امروزه عمدتاً در قالب محمل‌های الکترونیکی همچون پایگاه‌های اطلاعاتی در دسترس پژوهشگران سراسر جهان قرار می‌گیرد. اغلب پژوهشگران به عنوان کاربران بالقوه پایگاه‌های اطلاعات علمی با وارد کردن کلیدواژه‌های خود، اقدام به جستجو و بازیابی مدارک و مقالات مورد نظر می‌کنند. در این بین مسائل و چالش‌های زبانی از جمله رده و نوع زبان^۱ مسئله مهمی است که بر ذخیره، پردازش و بازیابی مدارک تأثیر می‌گذارد (احمدی نسب، ۱۳۹۳). زبان و خط فارسی نیز به دلیل ویژگی‌های برخاسته از ماهیت یا کاستی‌های نظام نوشتاری فارسی در رویارویی با محمل‌های الکترونیکی با مسائل و پیچیدگی‌هایی روبروست؛ البته این پیچیدگی‌ها چندان تازگی ندارد و در نظام‌های دستی نیز وجود داشته، اما چون در نظام دستی چندان مشکل‌آفرین نبوده، به طور جدی به آن پرداخته نشده است (حری، ۱۳۷۲).

از جمله رایج‌ترین این مسائل و چالش‌ها در زبان و خط فارسی می‌توان به مواردی همچون نگارش غیررسمی یا محاوره‌ای، استفاده از کلمات بیگانه، پیچیدگی صرفی، تنوع املائی کلمات و هم‌نگاشت‌ها^۲ اشاره کرد و در میان این چالش‌ها در دهه‌های اخیر، مسئله «فاصله‌گذاری» و به طور مشخص پیوسته‌نویسی و جدانویسی میان کلمات خواه بسیط و خواه مرکب امری مهم و ضروری است؛ به گونه‌ای که این مسئله بیشترین اختلاف‌نظرها در باب املائی کلمات فارسی (فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ۱۳۸۹) و بیشترین پژوهش‌ها در ارتباط با چالش‌های نگارشی زبان فارسی در محیط‌های الکترونیکی را به خود اختصاص داده است (هنرجویان، ۱۳۹۲).

یکی از راهکارهایی که تاکنون جهت برون‌رفت از چالش‌های نگارشی زبان و خط فارسی از جمله فاصله‌گذاری و به طور اخص پیوسته‌نویسی و جدانویسی پیشنهاد شده، پیروی نگارندگان از یک رسم‌الخط واحد است. در این راستا، فرهنگستان زبان و ادب فارسی به عنوان متولی اصلی زبان و خط فارسی در ادامه بحث ترکیبات دستور خط فارسی، این سه راهکار را در باب پیوسته‌نویسی یا جدانویسی ترکیبات متصور شده است: «۱. تدوین قواعدی برای جدانویسی همه کلمات مرکب^۴ و تعیین موارد استثنا؛ ۲. تدوین قواعدی برای

1. Typology

2. Homographs

3. Danesh, Minaei & Kashefi

۴. کلمه‌ایست که از چندپاره تشکیل شده است، ولی در مجموع یک کلمه محسوب می‌شود؛ به عنوان نمونه کلمات «کتاب‌شناسی» و «مردم‌شناسی» که هر یک از دو واحد مجزا تشکیل شده‌اند و تنها در موقعیت‌هایی که امکان اتصال اجزای آن‌ها وجود ندارد، با استفاده از نیم‌فاصله از هم جدا نوشته می‌شوند (ستایش، ۱۳۸۹).

پیوسته‌نویسی همه کلمات مرکب و تعیین موارد استثناء و ۳. تدوین قواعدی برای جدانویسی الزامی بعضی کلمات مرکب و پیوسته‌نویسی بعضی دیگر و دادن اختیار به نویسندگان در خصوص سایر کلمات» (فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ۱۳۸۹).

فرهنگستان زبان و ادب فارسی از میان این سه راهکار، راهکار سوم را انتخاب و تنها به ذکر موارد الزامی پیوسته‌نویسی و جدانویسی کلمات بسنده کرده است؛ اما بعدها به دلیل این که به خاطر سپردن تمام قواعد دستور خط فارسی مصوب فرهنگستان برای همگان امکان‌پذیر نبود و در نتیجه عموم نویسندگان هنگام نوشتن کلمات مرکب و مشتق و بعضی کلمات دو املائی یا سه املائی دیگر دچار تردید می‌شدند، فرهنگستان راه چاره را در آن دید که دست به انتشار یک فرهنگ املائی مبتنی بر قواعد دستور خط فارسی با نام «فرهنگ املائی خط فارسی» بزند. در این فرهنگ، املائی کلماتی که نگارش آن‌ها به اختیار و ذوق و سلیقه نگارندگان گذاشته شده تا حد امکان قاعده‌مندتر شده، یا این که شیوه مرجح - در مواردی که کلمه دو املائی است - در آن گنجانده شده است (صادقی و زندی‌مقدم، ۱۳۹۱).

تاکنون پژوهش‌های متعددی میزان کارآمدی، مقبولیت و پیروی از دستورالعمل‌های نگارشی مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی از سوی جامعه استفاده‌کننده را مورد بررسی قرار داده اند (کلاهدوزان، معینی، پاپی، عسگری و ذوالفقاری، ۱۳۸۳؛ ذوالفقاری، ۱۳۸۶؛ آخشیک و فتاحی، ۱۳۹۱؛ نصیریان، ۱۳۹۱؛ عربزاده، ۱۳۹۲؛ احمدی نسب، ۱۳۹۳؛ ستوده و هنرجویان، ۱۳۹۳)؛ اما در این پژوهش‌ها قواعد بخش ترکیبات دستور خط فارسی فرهنگستان کمتر به صورت جامع مورد توجه قرار گرفته است و در مواردی که در دستور خط فارسی فرهنگستان، اختیار نگارش کلمات به ذوق و سلیقه استفاده‌کننده واگذار شده است، پژوهشگران آن قواعد را از لیست قواعد مورد بررسی کنار گذاشته‌اند؛ این در حالی است که فرهنگ املائی خط فارسی فرهنگستان، با هدف رفع این ایراد و خلأ در دستور خط فارسی انتشار یافته است. علاوه بر این، عمده این پژوهش‌ها در حوزه موضوعی محدود و بر روی محمل‌های غیرالکترونیکی و صرفاً با هدف سنجش رفتار نگارشی نگارندگان متون انجام شده است. از این رو، پژوهش حاضر قصد دارد وضعیت رفتار نگارشی نگارندگان و کاربران را در سه پایگاه اطلاعات علمی فارسی مگیران، اس. آی. دی و مرکز منطقه‌ای، از نظر پایبندی و پیروی از دستورالعمل‌های مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی (دستور خط فارسی و فرهنگ املائی خط فارسی فرهنگستان) مورد بررسی قرار دهد.

انتظار می‌رود با استفاده از نتایج این پژوهش ضمن آگاهی از میزان پذیرش و مقبولیت دستورالعمل‌های مصوب فرهنگستان در بین دو گروه مذکور، بتوان میزان تناسب و اثربخشی قواعد تدوین شده در زمینه پیوسته‌نویسی و جدانویسی کلمات مرکب در محمل‌های الکترونیکی را مورد سنجش قرار داد. علاوه بر این،

ضمن آگاهی از سلیقه و گرایش نگارشی نگارندگان و کاربران محمل‌های الکترونیکی در زمان مواجهه با کلمات دارای چند شکل نگارشی، نسبت به اولویت‌بخشی و سیاست‌گذاری جهت اصلاح یا بهبود دستورالعمل‌های نگارشی خط فارسی و در نتیجه تهیه یک رسم‌الخط واحد و مورد پذیرش طیف گوناگون استفاده‌کنندگان گام برداشت.

مروری بر پژوهش‌های پیشین

همانطور که پیش‌تر اشاره شد، در دهه‌های اخیر بیشترین اختلاف‌نظرها در باب شیوه املاي کلمات فارسی در باب جدانویسی و پیوسته‌نویسی کلمات مرکب بوده است. در همین راستا فرهنگستان زبان و ادب فارسی در سال ۱۳۸۱، به عنوان متولی اصلی زبان و خط فارسی درصدد گردآوری مجموع قواعد و ضوابط خط فارسی به منظور یکسان‌سازی املاي کلمات برآمد و جزوهای با نام «دستور خط فارسی» را منتشر ساخت. تاکنون مطالعات متعددی میزان پذیرش، مقبولیت و اثربخشی قواعد تدوین شده را مورد بررسی قرار داده اند که در ادامه به برخی از آنها در راستای اهداف پژوهش حاضر خواهیم پرداخت.

کلاهدوزان، معینی، پاپی، عسگری و ذوالفقاری (۱۳۸۳) توزیع فراوانی عدم رعایت اصول نگارشی در پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد ناپیوسته و دکترای دانشکده‌های پزشکی و داروسازی را در بین سال‌های ۷۹-۱۳۷۸ مورد بررسی قرار دادند. نتایج پژوهش نشان داد که در زمینه کیفیت تایپ پایان‌نامه‌ها، به ویژه شیوه صحیح نوشتار همزه، اتصال حرف «ب» به اسم و فعل، پیوسته یا ناپیوسته نوشتن واژه‌ها، نشانه‌گذاری و کاربرد علامت‌های نقطه‌ویرگول و نقطه باید توجه بیشتری صورت گیرد.

ذوالفقاری (۱۳۸۶) در پژوهش خود به منظور سنجش مهمترین الگوهای غیرمعیار در نشریات، ۱۲ هزار و ۳۲۰ جمله از ۲۲ نشریه را در سه حوزه اساسی ویرایش یعنی، فنی (رسم‌الخط، نشانه‌گذاری، صفحه‌بندی و...)، زبانی و بلاغی مورد بررسی قرار داد. در حوزه فنی، مسئله رسم‌الخط با استفاده از دستورخط فرهنگستان مورد سنجش قرار گرفت که نتایج این حوزه نشان داد عمده‌ترین مصداق‌های غیرمعیارها مربوط به پیوسته‌نویسی کلمات طولانی، کاربرد نادرست همزه، پیوسته نوشتن «ب» و غیره بود. علاوه بر این، یافته‌ها نشان داد رسم‌الخط فرهنگستان تنها در چند نشریه رعایت می‌شود و اغلب نشریات مخصوصاً نشریات سراسری در حوزه گزارش و مسائل اجتماعی از این رسم‌الخط تبعیت نکردند.

در پژوهشی هاشمی (۱۳۹۰) با هدف تبیین شیوه نگارش کلمات مرکب، نحوه جدایی یا اتصال پایه واژه‌ها به یکدیگر و همچنین میزان هماهنگی کتاب‌های سال‌های مختلف، تمام کتاب‌های درسی سال تحصیلی ۸۸-۱۳۸۷ دوره ابتدایی را مورد بررسی و مقایسه قرار داد. در این پژوهش که از نوع توصیفی بود،

محقق جهت گردآوری داده‌ها، تک‌تک کلمات کتاب‌های مذکور را مورد بررسی قرار داد. نتایج تحقیق نشان داد که در تعدادی از کتاب‌های درسی و همچنین در بین آن‌ها در مقایسه با یکدیگر، ناهماهنگی‌هایی از نظر نحوه اتصال پایه واژه‌ها در کلمات مرکب وجود دارد.

نصیریان (۱۳۹۱) در پایان‌نامه خود با استفاده از پیکره «دادگان زبان فارسی» به بررسی دستور خط مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی و مقایسه آن با گرایش نوشتاری مردم به منظور ارائه پیشنهادی برای تعدیل این انعطاف‌پذیری و دستور خط پرداخت. نتایج پژوهش نشان داد که استفاده از واژه‌های مصوب، هشت برابر بیشتر از واژه‌های غیرمصوب بوده و میان این دو نیز اختلاف معناداری وجود دارد.

آخسیک و فتاحی (۱۳۹۱) با روش تحلیل محتوا، ۱۰۰ عنوان از پایان‌نامه‌های موجود رشته کتابداری و اطلاع‌رسانی را به عنوان نمونه‌ای از متون فارسی در پایگاه‌های اطلاعاتی پژوهشگاه‌های علوم و فناوری اطلاعات ایران و مرکز منطقه‌ای اطلاع‌رسانی علوم و فناوری و از هر پایگاه ۵۰ عنوان را به صورت تصادفی انتخاب کردند؛ آنگاه پژوهشگران با استفاده از دستور خط فارسی مصوب فرهنگستان زبان، کلمات نگارشی درست یا نادرست را از یکدیگر تفکیک کردند. نتایج پژوهش نشان داد ۷۱/۲ درصد از کلمات عناوین به صورت درست و ۲۸/۸ درصد نادرست نگارش یافته‌اند. همچنین مشخص شد که ۵۱/۶ درصد این کلمات دو جزئی و ۴۷/۵ درصد سه جزئی بودند و اغلب نویسندگان پایان‌نامه‌ها در مورد نحوه نگارش کلماتی دو جزئی و مشتق دچار خطا شده‌اند.

چلمقانی و شهریاری فرد (۱۳۹۲) به بررسی و بیان برخی از آسیب‌های مستقیم و غیرمستقیم اینترنت بر زبان فارسی پرداختند. آن‌ها وضعیت زبان فارسی در پایگاه‌های خبری و وب‌نوشت‌ها (وب‌نوشت) و رایانامه‌ها را که صورت رسمی‌تری دارند، نسبتاً مناسب ارزیابی می‌کنند؛ اما در مورد شبکه‌های اجتماعی و سرویس‌های چت، وضعیت را به گونه‌ای دیگر می‌دانند. آن‌ها معتقدند در این دسته از فناوری‌ها، لایه‌های مختلف زبانی از جمله آواشناسی و واج‌شناسی، املا کلمات، ساخت‌واژه، نحو و کاربردشناسی در معرض تغییرات بنیادی است که لازم است به آن توجه ویژه‌ای شود.

عربزاده (۱۳۹۲) در پژوهش خود به منظور سنجش تبعیت وب‌نوشت‌های فارسی از معیارهای استاندارد، ۲۱ وب‌نوشت فارسی را به صورت تصادفی در موضوعات گوناگون انتخاب و مورد بررسی قرار داد. نتایج پژوهش نشان داد که در زمینه معیار «رسم‌الخط»، وب‌نوشت‌های شخصی، کمترین امتیاز را کسب کردند؛ به گونه‌ای که این وب‌نوشت‌ها پر از اشتباهات املائی و عدم توجه به معیارهای فارسی بودند. همچنین نتایج نشان داد که هرچه وب‌نوشت‌ها به سمت مسائل تخصصی مثل تاریخ، حقوق، اقتصاد، زبان‌شناسی و غیره رفتند، از نظر معیارهای مورد بررسی رتبه بالاتری را به خود اختصاص دادند.

در یک طرح تحقیقاتی، احمدی نسب (۱۳۹۳) هفت نشریه برتر ISC در حوزه‌های هفتگانه علوم انسانی، علوم پایه، علوم پزشکی، علوم دامپزشکی، علوم کشاورزی، فنی و مهندسی و هنر و معماری را بر اساس دستور خط فارسی مصوب فرهنگستان (چاپ نهم) و به روش تحلیل محتوا مورد بررسی قرار داد. یافته‌های پژوهش وی نشان داد که میزان پیروی نشریات مورد بررسی از دستور خط فارسی در مجموع ۶۴ درصد بود و نشریات مورد بررسی بیشترین پایبندی را به ترتیب، به معیار پیوسته‌نویسی (۹۹/۷۱ درصد)، رعایت فاصله یک حرفی (۹۹/۵۷ درصد)، جدانویسی و نگارش صحیح واژگان (۹۷/۵۷ درصد) داشتند.

در نهایت ستوده و هنرجویان (۱۳۹۳) در پژوهشی با روش تحلیل محتوا، هفت چالش نگارشی فارسی را انتخاب و پس از محاسبه تنوع و فراوانی رویداد آن‌ها در متون پیکره همشهری، میزان انطباق آن را با دستور خط مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی مورد بررسی قرار دادند. نتایج این پژوهش مقدار کلی شاخص «ضریب درگیری» را ۰.۳۳ نشان داد که بیانگر انطباق نداشتن گستره الگوی نگارشی نگارندگان با دستور خط مصوب فرهنگستان بود.

مرور پیشینه پژوهش نشان می‌دهد تاکنون پژوهش‌های متعددی مسئله میزان کارآمدی، مقبولیت و پیروی از دستورالعمل‌های نگارشی فرهنگستان زبان و ادب فارسی را مورد بررسی قرار داده اند؛ اما این پژوهش‌ها صرفاً با هدف سنجش رفتار نگارشی نگارندگان انجام شده است. همچنین بررسی این پژوهش‌ها نشان می‌دهد قواعد بخش ترکیبات دستور خط فارسی فرهنگستان کمتر به صورت جامع مورد توجه قرار گرفته است و در صورت مواجه شدن با قواعدی که کتاب دستور خط فارسی فرهنگستان، اختیار نگارش کلمات را به ذوق و سلیقه استفاده کننده واگذار کرده است، پژوهشگران قواعد مربوطه را از لیست قواعد مورد بررسی کنار گذاشته اند؛ این در حالی است که فرهنگستان، فرهنگ املائی خط فارسی را عمدتاً با رفع همین مسئله منتشر کرده است. علاوه بر این، عمده پژوهش‌های انجام شده در حوزه موضوعی محدود و عمدتاً بر روی محمل‌های غیرالکترونیکی همچون پایان‌نامه‌ها، کتاب‌های درسی، مطبوعات انجام شده است.

پرسش‌های پژوهش

پژوهش حاضر با هدف یافتن پاسخ برای پرسش‌های زیر انجام شده است:

۱. به چه میزان رفتار نگارشی کاربران منطبق با دستورالعمل‌های مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی است؟
۲. به چه میزان رفتار نگارشی نگارندگان منطبق با دستورالعمل‌های مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی است؟

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف در ردیف پژوهش‌های کاربردی جای می‌گیرد و از نظر طرح تحقیق ارزیابانه است. جامعه پژوهش حاضر از دو گروه تشکیل شده است.

گروه اول، مدارک موجود در سه پایگاه اطلاعات علمی فارسی (پایگاه اطلاعاتی مگیران^۱، پایگاه مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی^۲ و پایگاه مرکز منطقه‌ای اطلاع‌رسانی علوم و فناوری^۳) شامل مقالات علمی-پژوهشی و علمی-ترویجی از حوزه‌های موضوعی مختلف بود که امکان دسترسی به متن کامل آن‌ها وجود داشت. لازم به ذکر است که در این پژوهش حوزه‌های موضوعی، شامل شش حوزه دامپزشکی، علوم انسانی، فنی و مهندسی، علوم پایه، منابع طبیعی و کشاورزی، هنر و معماری است که بر اساس دسته‌بندی سامانه ارزیابی نشریات علمی^۴ انتخاب شده است. به این ترتیب تعداد کل مدارک بازیابی شده از سه پایگاه اطلاعاتی مورد مطالعه، ۲۹۱۴۲ مدرک به دست آمد که به عنوان نماینده رفتار نگارشی نگارندگان برای جامعه گروه اول انتخاب شد.^۵

حجم نمونه این گروه نیز با توجه به سه پایگاه اطلاعاتی مورد مطالعه، شش حوزه موضوعی و همچنین ده قاعده به ازای هر حوزه موضوعی از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای نسبتی و با استفاده از فرمول کوکران برای جامعه معین، با خطای ۰/۰۵ و از طریق فرمول $n = \frac{NZ^2pq}{Nd^2 + Z^2pq}$ تعیین شد.^۶ بر این اساس، در ابتدا حجم نمونه ۳۸۰ مدرک به دست آمد، اما با توجه به این که در مرحله بعد لازم بود تا این تعداد مدارک به عنوان نمونه در سه سطح، یعنی سه پایگاه اطلاعات علمی فارسی مورد مطالعه، شش حوزه موضوعی و در هر حوزه موضوعی نیز بین قواعد دهگانه آن توزیع شود؛ پس از توزیع حجم نمونه در سه سطح گفته شده، تعداد مدارک در سطح سوم به ازای هر قاعده ۱،۷۵ مدرک به دست می‌آمد که این مقدار به عدد ۲ گرد شد. با این عمل حجم نمونه نهایی ۴۳۲ مدرک به دست آمد. بدین شکل با توزیع نمونه نگارندگان در سه سطح گفته شده، به ازای هر پایگاه اطلاعات علمی فارسی مورد مطالعه ۱۴۴ مدرک، به ازای هر حوزه موضوعی ۲۴ مدرک و به ازای هر قاعده در هر حوزه موضوعی نیز ۲ مدرک انتخاب شد.

1. Magiran
2. SID
3. RICeST

۴. قابل‌دسترسی از <http://journals.msrt.ir>

۵. این جستجو در دی‌ماه ۱۳۹۵ انجام شد.

۶. محاسبه شده با استفاده از نرم‌افزار تحت وب. قابل‌دسترسی در: <https://www.spss-iran.com/sample-size>

گروه دوم، بر اساس آمار ذکر شده در سالنامه آماری دانشگاه شیراز در سال تحصیلی (۹۴-۹۳)، شامل ۱۴۹۷ نفر از دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه شیراز (غیر از آموزش‌های الکترونیکی و پردیس بین‌الملل) بود که تعداد ۳۰۵ دانشجو به عنوان نمونه، با استفاده از فرمول کوکران - طبق فرمول ذکر شده در سطرهای پیشین- و به روش نمونه‌گیری طبقه‌ای نسبتی (سهمی) تعیین شد. شایان ذکر است با توجه به وجود دانشجویان تحصیلات تکمیلی مشغول به تحصیل در حوزه‌های موضوعی مختلف (وجود شش حوزه موضوعی) و همچنین به منظور کنترل احتمال تأثیرگذاری مقوله‌های جنسیت و مقطع تحصیلی دانشجویان تحصیلات تکمیلی (اعم از دکتری و کارشناسی ارشد) بر رفتار نگارشی آن‌ها، از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای نسبتی استفاده شد.

ابزارهای پژوهش شامل یک سیاهه واری محقق ساخته و همچنین نرم‌افزار پخش فایل‌های صوتی مصادیق (واژگان یا کلیدواژه‌های انتخابی) بود. سیاهه واری شامل ۱۲ مصداق بر اساس مجموع قواعد گزینش شده دستورالعمل‌های مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی بود که امکان رخداد جدانویسی، نزدیک‌نویسی (نیم‌فاصله‌نویسی) و پیوسته‌نویسی (سرهم‌نویسی) را در هنگام نگارش داشت. به منظور ساخت این سیاهه واری، ابتدا بخش ترکیبات دستور خط فارسی فرهنگستان زبان و ادب فارسی مبنا قرار گرفت و با همکاری و نظر اساتید حوزه‌های علم اطلاعات و دانش‌شناسی و زبان‌شناسی، ۲۳ قاعده پیشنهادی بخش ترکیبات دستور خط فارسی فرهنگستان مورد ارزیابی قرار گرفت. برخی از قواعد به دلیلی همچون شمی بودن و دشواری تشخیص آن‌ها (قواعد ۳، ۵، ۶ و ۷ از مجموعه موارد پیوسته‌نویسی الزامی و قواعد ۶، ۱۴ و ۱۵ از مجموعه موارد جدانویسی الزامی) و همچنین عدم رویداد مصادیق متناسب با آن‌ها در اصطلاحنامه‌ها و فرهنگ‌های تخصصی مورد استفاده یا عدم بازیابی مدرک در زمان جستجوی آن‌ها در پایگاه‌های اطلاعات علمی فارسی مورد مطالعه (قواعد ۴، ۵ و ۸ از موارد الزامی پیوسته‌نویسی و قواعد ۵، ۱۳ و ۷ از موارد جدانویسی الزامی) از مجموع قواعد کنار گذاشته شد و در نهایت ۱۰ قاعده از ۲۳ قاعده دستور خط فارسی فرهنگستان جهت ساخت سیاهه واری انتخاب شد که از این پس قواعد دهگانه خوانده می‌شود.

در بین ده قاعده انتخابی مواردی که اختیار در انتخاب شکل نگارشی به نویسندگان واگذار شده بود از کتاب «فرهنگ املایی خط فارسی»^۱ استفاده شد. شایان ذکر است که از بین قواعد دهگانه، دو قاعده ۱ و ۵ با هدف عملیاتی‌سازی سنجش آن‌ها، به دو قاعده فرعی مجزا تفکیک و با حروف «الف» و «ب» از هم متمایز شدند (جدول ۱).

۱. قابل دسترس در وبگاه فرهنگستان زبان و ادب فارسی: <http://persianacademy.ir/fa/X2903952.aspx>

جدول ۱. قواعد دهگانه دستورالعمل‌های فرهنگستان زبان و ادب فارسی

قاعده ۱ (الف)	هنگامی که ترکیب پردندانه شود، ترکیب جدا [نزدیک‌نویسی] نوشته می‌شود، مثل آب‌شستگی
قاعده ۱ (ب)	هنگامی که ترکیب طولانی شود، ترکیب جدا [نزدیک‌نویسی] نوشته می‌شود، مثل سوراخ‌کاری
قاعده ۲	رسیدن حروف مشابه یا یکسان و هم‌مخرج به هم موجب جدانویسی [نزدیک‌نویسی] می‌شود، مثل آب‌بند، سیم‌پیچ
قاعده ۳	وقتی جزء دوم با الف آغاز شود، موجب جدانویسی [نزدیک‌نویسی] می‌شود، مانند کم‌احساس، هم‌اسم
قاعده ۴	وقتی جزء دوم با «آ» آغاز شود و تک‌هجایی باشد، موجب جدانویسی [نزدیک‌نویسی] می‌شود و در صورتی که جزء دوم بیش از یک هجا داشته باشد، از قاعده خاصی پیروی نمی‌کند و گاهی جدا و گاهی پیوسته نوشته می‌شود که در این حالت شکل ارجح کلمه بر اساس فرهنگ املائی خط فارسی انتخاب می‌شود، مثل بتن‌آرمه، زبان‌آموزی
قاعده ۵ (الف)	ختم‌شدن کلمه اول در ترکیب به حروف پیوندناپذیر موجب جدانویسی [نزدیک‌نویسی] می‌شود، مثل کشتارگاه.
قاعده ۵ (ب)	ختم‌شدن کلمه اول در ترکیب به «های» غیرملفوظ موجب جدانویسی [نزدیک‌نویسی] می‌شود، مثل قفسه‌سینه.
قاعده ۶	ترکیب‌های اضافی (موصوف و صفت/ مضاف و مضاف‌الیه) جدا نوشته می‌شوند، مثل جسم‌زرد
قاعده ۷	وقتی یک جزء واژه مرکب عدد باشد، موجب جدانویسی [نزدیک‌نویسی] ترکیب می‌شود، مثل هشت‌بهشت
قاعده ۸	کلماتی مرکبی که از ترکیب با پیشوند ساخته می‌شود، همیشه جدا [نزدیک‌نویسی] نوشته می‌شود، مگر مرکب‌هایی که با پیشوندهای «به»، «بی» و «هم» با رعایت استثناهایی - صفحات ۲۲-۲۳ دستور خط فارسی - ساخته می‌شود. در این حالت نیز در صورت مواجهه با کلماتی که اختیار به نویسنده واگذار شده باشد، از فرهنگ املائی خط فارسی استفاده می‌شود، مثل همبندی، بی‌حسی موضعی
قاعده ۹	کلمات مرکبی که از ترکیب با پسوند ساخته می‌شود، همیشه پیوسته نوشته می‌شود، مگر هنگامی که مطابق با قاعده ۲، ۴ و ۷ ساخته شوند، مثل نوسانگر، شالیزار
قاعده ۱۰	یک جزء کلمه مرکب صفت فاعلی یا مفعولی باشد، مثل اجل‌رسیده، پاک‌کننده

در مرحله بعد، لازم بود به تفکیک قواعد دهگانه، مصادیق (واژگان یا کلیدواژه‌ها) مورد نیاز هر قاعده انتخاب شود. به این منظور، از اصطلاح‌نامه‌های تخصصی و در صورت نبود اصطلاح‌نامه در هر یک از حوزه‌های موضوعی (تنها حوزه دامپزشکی) از فرهنگ تخصصی آن حوزه استفاده شد. بعد از یافتن هر یک از اصطلاحات یا لغات مورد نظر - به عنوان کلیدواژه مورد نیاز - اصطلاح یا لغت در هر سه پایگاه اطلاعات علمی فارسی مورد مطالعه جستجو می‌شد و در صورت بازیابی بیش از یک مدرک به ازای هر مصداق (واژه یا کلیدواژه) و همچنین رویداد آن در هر سه پایگاه اطلاعات علمی فارسی، اصطلاح یا لغت برای قاعده مورد نظر انتخاب و در صورت برآورده نشدن مصداق مورد نظر برای هر قاعده، مجدداً مراحل گفته شده تکرار می‌شد. به منظور اجتناب از تغییراتی که ممکن است به علت روزآمدسازی پایگاه‌های اطلاعات علمی فارسی پیش آید، فرایند جستجو طی یک روز انجام شد^۱. در نهایت قواعد دهگانه به همراه مصادیق (واژگان یا کلیدواژه‌های انتخابی) خاص هر قاعده در یک سیاهه‌وارسی جهت سنجش رفتار نگارشی نگارندگان قرار گرفت.

در مرحله بعد، با مدنظر قرار دادن سیاهه واری تهیه شده در مرحله قبل مجدداً به هر یک از پایگاه‌های اطلاعاتی مورد مطالعه مراجعه شد و مصادیق با تمام شکل‌های نگارشی (پیوسته‌نویسی، نزدیک‌نویسی و

۱. این جستجو در تاریخ ۴ دی‌ماه ۱۳۹۵ انجام شد.

جدانویسی) در جعبه جستجوی ساده سه پایگاه اطلاعات علمی فارسی مورد مطالعه جستجو شد^۱. شایان ذکر است که به دلیل عدم پشتیبانی و شناسایی پایگاه‌های اطلاعاتی مورد مطالعه از حالت نیم‌فاصله در هنگام جستجو و در نتیجه عدم بازیابی مدارک دارای شکل نگارشی نزدیک‌نویسی؛ این حالت تنها در این بخش از پژوهش از فهرست مجموع حالت‌های مورد مطالعه کنار گذاشته شد. آنگاه از بین مجموع مدارک بازیابی شده به ازای هر یک از حالت‌های نگارشی (پیوسته‌نویسی یا جدانویسی)، تعداد یک مدرک و در صورتی که هیچ مدرکی با حالت نگارشی مورد نظر در پایگاه اطلاعاتی بازیابی نمی‌شد، هر دو مدرک از حالت نگارشی دیگر به عنوان نمونه انتخاب می‌شد. پژوهشگر جهت انتخاب دو مدرک از بین مجموع مدارک بازیابی شده برای هر مصداق، از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده و از نرم‌افزار تولید اعداد تصادفی^۲ استفاده کرد. بدین شکل فرایند انتخاب و گردآوری ۴۳۲ مدرک مورد نیاز به عنوان حجم نمونه صورت پذیرفت. در نهایت، به منظور سنجش رفتار نگارشی نگارندگان به نسخه پی.دی.اف هر یک از ۴۳۲ مدرک انتخاب شده مراجعه شد و فرایند تحلیل محتوا در عنوان، چکیده و کلمات کلیدی هر مدرک انجام شد و اطلاعات به دست آمده در سیاهه واریسی مورد نظر وارد شد.

جهت سنجش رفتار نگارشی کاربران نیز در ابتدا به دلیل احتمال تأثیرگذاری نحوه بیان و ادای مصادیق (کلیدواژه‌ها) بر رفتار نگارشی کاربران در زمان جستجو، لازم شد تا قواعد دهگانه به همراه مصادیق انتخابی آن‌ها در مراحل قبل در قالب فایل صوتی ضبط شود و سپس در اختیار کاربران قرار گیرد. بدین منظور فایل صوتی مصادیق توسط پژوهشگر ضبط گردید و در نهایت فایل‌های صوتی مصادیق به تفکیک هر حوزه موضوعی در درون نرم‌افزار طراحی شده بارگذاری شد. در نهایت از کاربران خواسته می‌شد تا مصادیق انتخابی هر قاعده را تایپ کنند. در پایان، فعالیت نگارشی هر کاربر در قالب یک فایل اکسل ذخیره می‌شد تا تحلیل‌های بعدی به منظور سنجش رفتار نگارشی کاربران روی آن‌ها انجام پذیرد. همچنین در این پژوهش به منظور سنجش میزان آشنایی کاربران با «نحوه درج نیم‌فاصله» از طریق صفحه کلید رایانه، یک سؤال طراحی شد و از کاربران خواسته شد تا به سؤال مذکور نیز پاسخ دهند.

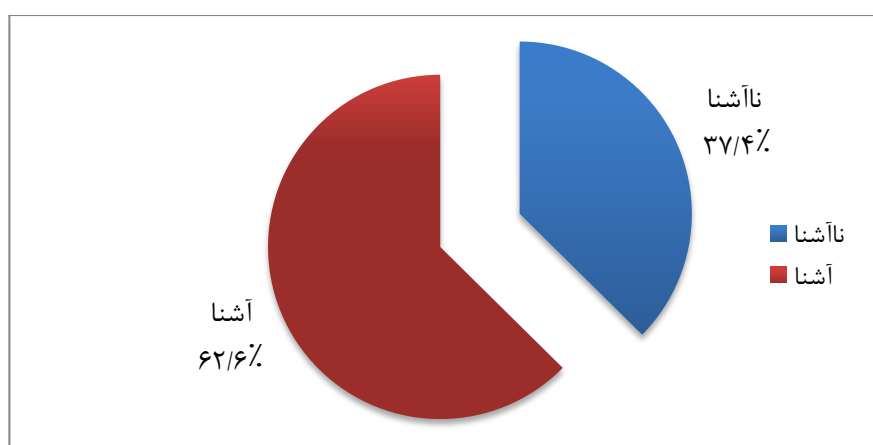
در گام آخر پژوهش، با استفاده از دستورالعمل‌های مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی، یعنی دستور خط فارسی و فرهنگ املائی خط فارسی فرهنگستان، مصادیق از نظر نحوه نگارش آن‌ها از سوی کاربران و نگارندگان مقایسه و مورد تحلیل قرار گرفتند.

۱. به منظور اجتناب از تغییراتی که ممکن است به علت روزآمدسازی پایگاه‌های اطلاعاتی پیش آید، فرایند جستجو طی یک روز انجام شد.

۲. محاسبه شده با استفاده از نرم‌افزار آماری تحت وب. قابل دسترس در: <https://www.spss-iran.com/sample-size>

یافته‌های پژوهش

یافته توصیفی پژوهش حاضر این بود که عمده کاربران با نحوه درج نیم‌فاصله از طریق کلید رایانه آشنایی داشتند که در نمودار شماره ۱ درصد میزان آشنایی کاربران با شیوه درج نیم‌فاصله از طریق صفحه‌کلید رایانه نشان داده شده است.



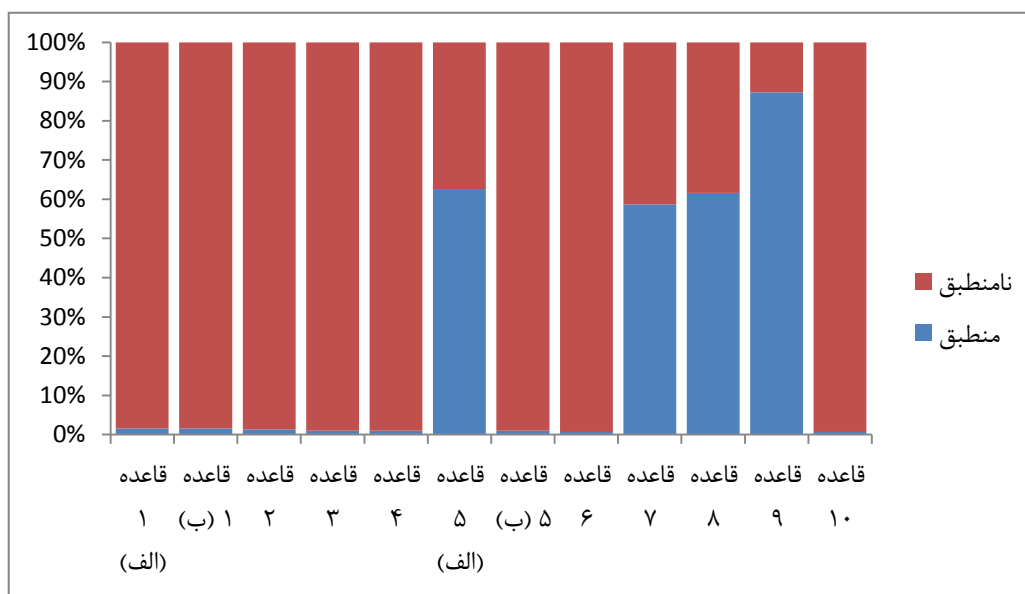
نمودار ۱. درصد میزان آشنایی اعضای نمونه کاربران با شیوه درج نیم‌فاصله

برای پاسخ به سؤال اول پژوهش، ابتدا شیوه نگارش کاربران با استفاده از مصادیق اعم از پیوسته‌نویسی، نزدیک‌نویسی و جدانویسی گردآوری شد؛ سپس، با استفاده از قواعد دهگانه دستورالعمل‌های فرهنگستان زبان و ادب فارسی میزان انطباق آن برحسب درصد فراوانی محاسبه گردید.

بر اساس فراوانی‌های به دست آمده، تنها ۲۳/۲۵ درصد از قواعد دهگانه دستورالعمل‌های زبان و ادب فارسی از سوی اعضای نمونه کاربران رعایت شده است و در مقابل، کاربران در ۷۶/۷۵ درصد از موارد این قواعد را نادیده گرفته‌اند.

چنانچه هر یک از قواعد دهگانه دستورالعمل‌های فرهنگستان زبان و ادب فارسی را به تفکیک مدنظر قرار دهیم، قاعده ۹ با ۸۷/۲ درصد بیشترین میزان انطباق بین رفتار نگارشی کاربران با دستورالعمل‌های فرهنگستان را نشان می‌دهد؛ این در حالی است که قاعده ۶ و ۱۰ با ۰/۷ درصد، کمترین میزان انطباق بین رفتار نگارشی کاربر با دستورالعمل‌های فرهنگستان را به خود اختصاص داده‌اند.

در نمودار ۲ وضعیت انطباق شیوه نگارش کاربران به تفکیک قواعد دهگانه دستورالعمل‌های فرهنگستان زبان و ادب فارسی نشان داده شده است.



نمودار ۲. درصد میزان انطباق رفتار نگارشی اعضای نمونه کاربران با قواعد دهگانه

در ارتباط با سؤال دوم پژوهش، ابتدا شیوه نگارش مصادیق اعم از پیوسته‌نویسی، نزدیک‌نویسی و جدانویسی از سوی نگارندگان گردآوری شد؛ سپس، با استفاده از قواعد دهگانه دستورالعمل‌های فرهنگستان زبان و ادب فارسی، میزان انطباق آن‌ها برحسب درصد فراوانی محاسبه گردید. بر اساس فراوانی‌های به دست آمده، ۴۰ درصد از مجموع قواعد نگارشی دستورالعمل‌های زبان و ادب فارسی از سوی نگارندگان رعایت نشده است و در مقابل، ۶۰ درصد از این قواعد نگارشی از سوی نگارندگان رعایت شده است.

با مدنظر قرار دادن هر یک از قواعد دهگانه دستورالعمل‌های فرهنگستان زبان و ادب فارسی متوجه می‌شویم که قاعده ۶ با ۱۹/۴ درصد، کمترین میزان انطباق بین رفتار نگارشی نگارندگان با دستورالعمل‌های فرهنگستان را نشان می‌دهد؛ این در حالی است که قاعده ۸ با ۹۷/۳ درصد بیشترین میزان انطباق بین رفتار نگارشی نگارندگان با دستورالعمل‌های فرهنگستان را نشان می‌دهد.

در نمودار ۳ نیز وضعیت انطباق شیوه نگارش نگارندگان به تفکیک قواعد دهگانه دستورالعمل‌های فرهنگستان زبان و ادب فارسی نشان داده شده است.



نمودار ۳. درصد میزان انطباق رفتار نگارشی نمونه نگارندگان با قواعد دهگانه

بحث و نتیجه‌گیری

به طور خلاصه نتایج پژوهش نشان داد، رفتار نگارشی کاربران تنها در ۲۳/۲۵ درصد از موارد منطبق با قواعد دهگانه دستورالعمل‌های فرهنگستان زبان و ادب فارسی است. بیشترین میزان انطباق بین رفتار نگارشی نمونه کاربران به تفکیک قواعد دهگانه فرهنگستان نیز با ۸۷/۲ درصد در قاعده ۹ مشاهده شد که مربوط به کلمات مرکب حاوی پسوند است و کمترین میزان انطباق نیز با ۰/۷ درصد در قاعده‌های ۶ و ۱۰ مشاهده شد که به ترتیب مربوط به ترکیب‌های اضافی (موصوف و صفت/ مضاف و مضاف‌الیه) و همچنین صفت فاعلی و مفعولی بودن کلمه مرکب است.

شیوه‌نامه پیشنهادی فرهنگستان برای قواعد دهگانه، عمدتاً شکل نگارشی جدانویسی [نزدیک‌نویسی] را بر پیوسته‌نویسی ارجح دانسته و دلیل آن را نیز همسو بودن بیشتر آن با گرایش روز خط فارسی و همچنین سهولت بیشتر در امر آموزش به نوآموزان بیان کرده است (علی اشرف صادقی و زندی مقدم، ۱۳۹۴). خلخالی (۱۳۷۵) نیز در این باب معتقد است که اگر از کلیه کلمات مرکب آماری تهیه شود، گرایش خط فارسی به جدانویسی را بیشتر و بهتر می‌توان تشخیص داد.

با دقت نظر در این گفته‌ها و نتایج به دست آمده در این پژوهش می‌توان گفت، هرچند نتایج کلی پژوهش حاضر از انطباق کم رفتار نگارشی کاربران با شکل نگارشی مورد انتظار فرهنگستان در عمده قواعد

دهگانه، یعنی شکل نزدیک‌نویسی حکایت دارد، اما کاربران نیز از بین شیوه‌های نگارشی پیوسته‌نویسی و جدانویسی (اعم از فاصله کامل و نیم‌فاصله)، عمدتاً شکل نگارشی جدانویسی را ترجیح داده‌اند. این یافته می‌تواند مهر تأییدی باشد بر این گفته فرهنگستان زبان و ادب فارسی که شکل نگارشی جدانویسی را به دلیل همسو بودن بیشتر شکل با گرایش روز خط فارسی و همچنین سهولت بیشتر در امر آموزش به نوآموزان بر پیوسته‌نویسی ارجح دانسته است.

علاوه بر این، علیرغم آشنایی ۶۲/۶ درصد از کاربران با نحوه درج نیم‌فاصله در صفحه‌کلید رایانه، از دلایل احتمالی نامنطبق بودن رفتار نگارشی کاربران با شکل نگارشی مورد انتظار فرهنگستان می‌تواند ناشی از عواملی همچون تلاش برای بالا بردن سرعت، عادات بازمانده از قدیم (هنرجویان، ۱۳۹۲)، آگاهی کم از اهمیت وجود فاصله اضافی میان اجزای یک واژه مستقل (رمضانی، ۱۳۸۶) و همچنین نیاز به انجام چند کار اضافه جهت درج نیم‌فاصله در صفحه‌کلید رایانه باشد. در ادامه به بررسی و تبیین رفتار نگارشی کاربران به تفکیک هر یک از قواعد دهگانه می‌پردازیم.

در قاعده یک دستورالعمل‌های قواعد دهگانه فرهنگستان، آمده است: «هنگامی که ترکیب طولانی، نامأنوس و پردندانه شود، ترکیب جدا [نزدیک‌نویسی] نوشته می‌شود» (فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ۱۳۸۹، ص. ۴۲). یافته‌های پژوهش نشان داد که ۷۶/۷ درصد از کاربران گرایش به جدانویسی (اعم از نزدیک‌نویسی یا فاصله کامل) این قاعده داشتند. در توجیه این امر می‌توان گفت این مسئله می‌تواند ناشی از همین طولانی، پردندانه و روی هم سوار شدن حروف و در نتیجه ایجاد شکل غیرطبیعی و بدنمایی ترکیب و به تبع آن دشواری خوانش آن باشد (بهمنیار، ۱۳۷۷؛ سمیعی، ۱۳۸۲؛ مجد، ۱۳۸۷)؛ همچنین در ارتباط با دلایل انتخاب شکل پیوسته‌نویسی این ترکیبات با وجود طولانی شدن، نقطه‌های متعدد و پردندانه شدن از سوی برخی از کاربران می‌توان به اصل یک‌معنایی مطرح شده از سوی مجد (۱۳۸۷) اشاره کرد؛ بدین معنا که «افراد تا هنگامی که مجموع حروف یا نیم کلمه‌ها یا کلمات، یک معنا را برسانند، آن‌ها را متصل می‌نویسند» (ص. ۷۶).

در قاعده دو دستورالعمل‌های فرهنگستان آمده است که «رسیدن حروف مشابه یا یکسان و همچنین هم‌مخرج، موجب جدانویسی [نزدیک‌نویسی] می‌شود» (فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ۱۳۸۹، ص. ۴۱). بر اساس یافته‌های به دست آمده بیشتر کاربران (۹۷ درصد) در این قاعده گرایش به جدانویسی - البته با فاصله کامل - داشتند و کمتر (۱/۶ درصد) مصادیق این قاعده را به شکل نگارشی پیوسته استفاده کرده‌اند. در ارتباط با دلایل گرایش کاربران به حالت جدانویسی می‌توان به دلایل زیباشناختی و نامطلوبی شکل کلمه در زمان پیوسته‌نویسی و همچنین پرهیز از اشتباه خوانده شدن کلمه اشاره کرد (سمیعی، ۱۳۸۲)؛ اما در تبیین

این مسئله که به چه دلیل برخی کاربران با وجود موارد گفته شده در بالا، کماکان شکل پیوسته‌نویسی این قاعده را استفاده کرده اند، این امر می‌تواند به همان اصل یک‌معنایی بازگردد؛ یعنی کلمه در اذهان به صورت بسیط‌گونه درآمده است و افراد از مجموع آن کلمه مرکب یک معنا را برداشت می‌کنند و در نتیجه کلمه را پیوسته می‌نویسند (مجد، ۱۳۸۷).

قاعده سوم و چهارم به جدانویسی [نزدیک‌نویسی] ترکیب در صورت آغاز شدن جزء دوم با «الف» و «آ» اشاره می‌کند. همان‌طور که نتایج پژوهش نشان داد، در صورت آغاز شدن جزء دوم با «آ»، هیچ‌یک از کاربران از شکل پیوسته استفاده نکردند و در صورت آغاز جزء دوم با «الف»، تنها ۴/۳ درصد از کاربران مصادیق این قاعده را با شکل پیوسته نگاشتند و در مقابل، بخش قابل توجهی از کاربران در این قاعده شکل جدانویسی (اعم از نیم‌فاصله یا فاصله کامل) را ترجیح دادند. ذوالفقاری (۱۳۸۶)، سمیعی (۱۳۸۲)، خلخالی (۱۳۷۵) نیز به دلایل زیباشناختی و برای پرهیز از اشتباه خواندن کلمه، این قواعد را مبنایی برای جدانویسی الزامی کلمات مرکب یاد کرده‌اند؛ اما این که چرا کاربران در مواجهه با این قاعده تمایل بسیار کمی در استفاده از شکل نیم‌فاصله داشته‌اند، احتمالاً به همان دلایل گفته شده در ابتدای بحث یعنی تلاش برای بالا بردن سرعت، عادات بازمانده از قدیم (هنرجویان، ۱۳۹۲)، آگاهی کم از اهمیت وجود فاصله اضافی میان اجزای یک واژه مستقل (رمضانی، ۱۳۸۶) و همچنین نیاز به انجام چند کار اضافه جهت درج نیم‌فاصله در صفحه کلید رایانه باز می‌گردد.

قاعده پنجم به این مسئله اشاره دارد که «ختم شدن کلمه اول در ترکیب به حروف پیوندناپذیر موجب پیوسته‌نویسی اجباری و ختم شدن کلمه اول در ترکیب به «های» غیرملفوظ موجب جدانویسی آن می‌شود». نتایج به دست آمده نشان داد که بخش قابل توجهی از کاربران (۳۷/۴ درصد) در زمان مواجهه با کلمات مرکبی که صرفاً از حروف پیوندناپذیر تشکیل شده‌اند، از شکل جدانویسی (فاصله کامل) نیز استفاده کرده‌اند؛ این در حالی است که انتظار می‌رفت همه کاربران به دلیل عدم نیاز به هیچ کار اضافه‌ای جهت درج حروف منفصل، مصادیق این قاعده را به شکل پیوسته تایپ کنند؛ حتی مجد (۱۳۸۷) نیز در مورد نحوه نگارش کلمات این قاعده معتقد است که پیوسته‌نویسی کلمات این قاعده، امری بدیهی است و نیازی به اثبات ندارد؛ بنابراین می‌توان گفت از دلایل احتمالی رویداد این امر می‌تواند عادت کاربر برای وارد کردن فاصله بین اجزای قابل تفکیک یک کلمه باشد. در توجیه جدانویسی ترکیبات ختم شده به «های» غیرملفوظ نیز می‌توان گفت، این مسئله احتمالاً به دلیل بدنام شدن و همچنین پرهیز از اشتباه خوانده شدن کلمه در هنگام پیوسته‌نویسی آن‌ها مربوط می‌شود (سمیعی، ۱۳۸۲).

قاعده ششم در ارتباط با جدانویسی [نزدیک‌نویسی] ترکیب‌های اضافی (موصوف و صفت/ مضاف و مضاف‌الیه) است. یافته‌های پژوهش نشان داد که ۹۹/۳ درصد از کاربران در برخورد با مصادیق این قاعده گرایش به جدانویسی (اعم از فاصله کامل یا نیم‌فاصله) دارند و تنها ۰/۷ درصد از آن‌ها گرایش به پیوسته‌نویسی دارند. در تبیین این مسئله، با توجه به دیدگاه مجد (۱۳۸۷) می‌توان گفت احتمالاً کاربران این امر را بدیهی تلقی کرده‌اند؛ زیرا ترکیب‌های اضافی دو کلمه اند، نه یک کلمه، لذا باید جدا نوشته شوند؛ اما در توضیح این که برخی کاربران مصادیق این قاعده را کماکان پیوسته نگاشته‌اند، احتمالاً این امر به همان اصل یک‌معنایی بازمی‌گردد که در اذهان، کلمه به صورت بسیط‌گونه درآمده است. در ارتباط با دلایل احتمالی گرایش اکثر کاربران به جدانویسی به جای نزدیک‌نویسی نیز می‌توان به همان دلایل ذکر شده در ابتدای بحث، یعنی تلاش برای بالا بردن سرعت، عادات بازمانده از قدیم (هنرجویان، ۱۳۹۲)، آگاهی کم از اهمیت وجود فاصله اضافی میان اجزای یک واژه مستقل (رمضانی، ۱۳۸۶) و همچنین نیاز به انجام چند کار اضافه جهت درج نیم‌فاصله در صفحه‌کلید رایانه اشاره کرد.

قاعده هفت دستورالعمل‌های فرهنگستان زبان و ادب فارسی به وجود عدد در یک جزء واژه مرکب اشاره می‌کند که موجب جدانویسی [نزدیک‌نویسی] ترکیب می‌شود. یافته‌های پژوهش نشان داد، با توجه به این که کلیه مصادیق انتخاب شده برای این قاعده از اعداد منفصل تشکیل شده بودند، فقط ۵۸/۷ درصد از کاربران مصادیق این قاعده را پیوسته نگاشته‌اند و در مقابل ۴۱/۳ درصد از کاربران با وارد کردن فاصله کامل بین عدد و جزء دوم، آن را بافاصله کامل نگاشته‌اند؛ این در حالی است که مشابه قاعده پنجم انتظار می‌رفت که کلیه کاربران مصادیق این قاعده را به شکل پیوسته تایپ کنند. از دلایل احتمالی آن، علاوه بر موارد ذکر شده در قاعده پنج، می‌توان به دیدگاه غلامحسین‌زاده (۱۳۷۹) در مورد شیوه نگارش کلمات حاوی عدد نیز اشاره کرد: «وقتی عدد برای شمارش به کار رود، هم به لحاظ معنایی و هم به لحاظ دستوری، یک واحد مستقل است و باید از معدود خود جدا نوشته شود؛ اما اگر عدد کلمه مرکب بسازد و برای شمارش به کار نرود، تابع قاعده کلمه‌های مرکب است» (ص. ۱۴۷). از این رو، این امر محتمل است که جدانویسی در این قاعده بدین خاطر باشد که کاربر کلمات حاوی عدد را به عنوان واحد شمارش در نظر گرفته باشد، نه یک کلمه مرکب؛ و در نتیجه، بین عدد و جزء دوم فاصله وارد کرده است.

در قاعده هشت آمده است که «کلمات مرکبی که از ترکیب با پیشوند ساخته می‌شوند همیشه جدا [نزدیک‌نویسی] نوشته می‌شود، مگر مرکب‌هایی که با پیشوندهای «به»، «بی» و «هم» با رعایت استثناهایی ساخته می‌شوند» (فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ۱۳۸۹، ص. ۴۲). یافته‌های پژوهش نشان داد، بیشتر کاربران (۶۱/۳ درصد) گرایش به پیوسته‌نویسی مصادیق این قاعده دارند. در تبیین این یافته می‌توان گفت

احتمالاً کاربران مصادیق این قاعده را به دلیل اصل «یک‌معنایی» بیشتر به شکل پیوسته‌نویسی نگاشته‌اند، نه به دلیل این که جزء اول آن پیشوند بوده است. همان‌گونه که مجد (۱۳۸۷) نیز معتقد است، وقتی لغات حالت بسیط پیدا کرده باشند، فرد مثلاً «همشیره» را یک لغت به معنای خواهر می‌داند و تفسیر می‌کند و به ترکیب «هم» و «شیره» فکر نمی‌کند؛ علاوه بر این، عادت کاربر به وارد کردن فاصله بین اجزای قابل تفکیک یک کلمه مرکب نیز می‌تواند از دیگر دلایل احتمالی باشد.

قاعده نهم به کلمات مرکبی اشاره دارد که از ترکیب با پسوند ساخته می‌شود و باید همیشه پیوسته نوشته شوند، مگر در موارد برخورد با قاعده دوم، هفتم و چهارم. یافته‌های به دست آمده از این قاعده نشان داد که کاربران نیز گرایش بیشتری (۸۷/۲ درصد) به پیوسته‌نویسی نشان دادند. مجد (۱۳۸۷) در ارتباط با این قاعده فرهنگستان معتقد است: «دلیل پیوسته‌نویسی یا جدانویسی لغات در این قاعده مربوط به همان اصل یک‌معنایی است. بدین شکل که مثلاً فرد لغت «طوطی‌وار» را در ذهن دو چیز مجسم می‌کند و قادر به تفکیک اجزای ترکیب است، یعنی در جمله «او درس را طوطی‌وار می‌خواند»، اول یک «طوطی» به ذهنش می‌رسد، سپس به خاطر پسوند «وار» فاعل جمله را با آن طوطی تشبیه می‌کند، لذا «طوطی‌وار» هم پیوسته و هم جدا نوشته می‌شود؛ اما هنگامی که فرد جمله «او سوگوار است» را می‌شنود، هرگز اجزای ترکیب «سوگوار» را از هم جدا نمی‌کند؛ یعنی چیزی را به «سوگ» مانند نمی‌کند و کل ترکیب را یک صفت برای فاعل می‌پندارد و در نتیجه همواره آن را متصل می‌نویسند» (ص. ۸۱).

در نهایت قاعده ده، به صفت فاعلی یا مفعولی بودن یک جزء کلمه مرکب اشاره دارد که باعث جدانویسی [نزدیک‌نویسی] ترکیب می‌شود. نتایج به دست آمده از این قاعده نیز نشان داد که ۹۹ درصد از کاربران در زمان برخورد با مصادیق این قاعده شکل جدانویسی (با فاصله کامل) را ترجیح داده‌اند. از دیدگاه مجد (۱۳۸۷) علت جدانویسی یا پیوسته‌نویسی مصادیق در این قاعده به طولانی شدن ترکیب و در عین حال بسیط نشدن کلمه در ذهن فرد بازمی‌گردد. به اعتقاد وی اگر قرار باشد که صفت فاعلی و صفت مفعولی، دلیل خاصی برای جدانویسی باشد، باید کلمه‌هایی از قبیل «غم‌دیده» و «گمشده» را هم جدا نوشت، حال آن که پیوسته نوشته می‌شوند. در توجیه گرایش کاربر به شکل نگارشی جدانویسی به نزدیک‌نویسی نیز می‌توان به موارد گفته شده در آغاز بحث، یعنی تلاش برای بالا بردن سرعت، عادات بازمانده از قدیم (هنرجویان، ۱۳۹۲)، آگاهی کم از اهمیت وجود فاصله اضافی میان اجزای یک واژه مستقل (رمضانی، ۱۳۸۶) و همچنین نیاز به انجام چند کار اضافه جهت درج نیم‌فاصله در صفحه کلید اشاره کرد.

در ارتباط با رفتار نگارشی نگارندگان به طور کلی یافته‌های پژوهش نشان داد رفتار نگارشی نگارندگان در ۶۰ درصد از موارد منطبق با قواعد دهگانه دستورالعمل‌های فرهنگستان زبان و ادب فارسی است. بیشترین

میزان انطباق میان رفتار نگارشی نگارندگان به تفکیک قواعد دهگانه فرهنگستان نیز با ۹۷/۳ درصد به قاعده ۸ که مربوط به کلمات مرکب حاوی پیشوند است و کمترین میزان انطباق نیز با ۱۹/۴ درصد به قاعده ۶ که مربوط ترکیب‌های اضافی (موصوف و صفت/ مضاف و مضاف‌الیه) است، بازمی‌گردد.

همان‌طور که در بخش قبلی بیان شد، اغلب کاربران شکل پیشنهادی فرهنگستان، یعنی نزدیک‌نویسی را نادیده گرفتند؛ اما نقطه مشترک بین رفتار نگارشی کاربران با قواعد پیشنهادی فرهنگستان این بود که کاربران نیز شکل جدانویسی (اعم از بافاصله یا نیم‌فاصله) را بر پیوسته‌نویسی ترجیح می‌دادند. در رفتار نگارشی نگارندگان نیز این مسئله قابل مشاهده است، با این تفاوت که به طور کلی نگارندگان علاوه بر ترجیح شکل نگارشی جدانویسی، از شکل پیشنهادی و مورد قبول فرهنگستان، یعنی نزدیک‌نویسی در حد مطلوبی استفاده کردند و کمتر گرایش به جدانویسی با فاصله کامل داشتند. در ادامه، با توجه به این که در بخش قبل به تبیین هر یک از قواعد دهگانه پرداخته شد، در این بخش از توضیح مجدد هر یک از قواعد خودداری می‌شود و صرفاً بر اساس یافته‌های پژوهش‌های پیشین به تبیین پرسش حاضر می‌پردازیم.

یافته‌های به دست آمده در پژوهش‌های آخشیک و فتاحی (۱۳۹۱)، چلمقانی و شهریاری‌فرد (۱۳۹۲)، نصیریان (۱۳۹۱) و احمدی‌نسب (۱۳۹۳)، ستوده و هنرجویان (۱۳۹۳) که بر روی محمل‌های اطلاعاتی همچون پایان‌نامه، پیکره، مقالات مجلات برتر (ISC)، پایگاه‌های خبری و رایانامه‌ها انجام شده است، از میزان پیروی و انطباق مطلوب میان رفتار نگارشی نگارندگان با دستورالعمل‌های مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی حکایت دارد که از این منظر با پژوهش حاضر هم‌راستا است؛ در مقابل، با یافته‌های کلاهدوزان و همکاران (۱۳۸۳)، ذوالفقاری (۱۳۸۶) و عرب‌زاده (۱۳۹۲) که بر روی محمل‌های اطلاعاتی همچون پایان‌نامه، مطبوعات و وب‌نوشت‌های شخصی انجام شده است، از میزان انطباق پایین و نامطلوب میان رفتار نگارشی نگارندگان با دستورالعمل‌های فرهنگستان زبان و ادب فارسی حکایت دارد که از این منظر با یافته‌های پژوهش حاضر مغایرت دارد.

با توجه به یافته‌های این پژوهش و مطالعات پیشین و همچنین با توجه به اصل ساده‌نویسی و نیاز به انجام چند کار اضافه جهت درج شیوه پیشنهادی فرهنگستان در عمده قواعد دهگانه فرهنگستان (نزدیک‌نویسی)، می‌توان این گونه استنباط کرد که دلایل احتمالی انطباق و همچنین عدم انطباق درصد قابل توجهی از نگارندگان متون با قواعد فرهنگستان زبان و ادب فارسی می‌تواند به میزان توجه، حساسیت و التزام سازمان‌ها بر پیروی نگارندگان خود از قواعد رسم‌الخط فرهنگستان زبان و ادب فارسی بازگردد. شایان ذکر است که این راهکار از سوی پژوهشگران متعددی برای افزایش یکدستی شیوه نگارش کلمات پیشنهاد شده است.

در مجموع می‌توان گفت، هرچند نتایج کلی پژوهش حاضر از انطباق کم رفتار نگارشی کاربران و انطباق در حد مطلوب رفتار نگارشی نگارندگان با شکل نگارشی مورد انتظار فرهنگستان در عمده قواعد دهگانه، یعنی شکل نزدیک‌نویسی حکایت دارد؛ اما نقطه مشترک بین رفتار نگارشی این دو گروه این است که کاربران نیز مشابه نگارندگان از بین شیوه‌های نگارشی پیوسته‌نویسی و جدانویسی (اعم از فاصله کامل و نیم‌فاصله)، عمدتاً شکل نگارشی جدانویسی را ترجیح داده‌اند و این یافته مهر تأییدی است بر گفته فرهنگستان زبان و ادب فارسی که شکل نگارشی جدانویسی را به دلیل همسو بودن بیشتر شکل نگارشی جدانویسی [نزدیک‌نویسی] با گرایش روز خط فارسی و همچنین سهولت بیشتر در امر آموزش به نوآموزان بر پیوسته‌نویسی ارجح دانسته است. در همین راستا، پیشنهادهای زیر می‌تواند در مقبولیت و فراگیری هر چه بیشتر قواعد پیشنهادی فرهنگستان زبان و ادب فارسی در بین جامعه استفاده‌کننده مؤثر باشد:

طراحی صفحه کلید مختص زبان فارسی. همان‌طور که در یافته‌ها نیز ذکر شد، شیوه‌نامه پیشنهادی فرهنگستان، عمدتاً شکل نگارشی جدانویسی [نزدیک‌نویسی] را بر پیوسته‌نویسی ارجح دانسته است. این در حالی است که درج این شکل نگارشی مشکلات و دشواری‌های زیادی را برای استفاده‌کنندگان به همراه دارد که به عنوان نمونه می‌توان به کاهش سرعت تایپ و نیاز به چند کار اضافه جهت درج آن از روی صفحه کلید رایانه اشاره کرد. از این رو، پیشنهاد می‌شود جهت رفع این مسئله تغییری جزئی در صفحه کلیدهای فعلی صورت پذیرد؛ به این ترتیب که دکمه «فاصله» صفحه کلید، به دو دکمه مجزا، ولی با اندازه‌های متفاوت تقسیم شود، آنگاه دکمه با اندازه بزرگتر جهت درج فاصله کامل و دکمه کوچکتر جهت درج نیم‌فاصله به کار گرفته شود.

اولویت‌بندی فرهنگستان زبان و ادب فارسی در ضابطه‌مندتر کردن بخش ترکیبات دستور خط مصوب فرهنگستان و فرهنگ املائی خط فارسی. به پشتوانه نتایج پژوهش حاضر، فرهنگستان زبان و ادب فارسی می‌تواند ضمن آگاهی از میزان تناسب و مقبولیت قواعد پیشنهادی از سوی جامعه استفاده‌کننده در محمل‌های الکترونیکی، نسبت به اولویت‌بخشی و سیاست‌گذاری جهت اصلاح یا بهبود این قواعد گام بردارد.

توجه و التزام سازمان‌ها و مراکز انتشاراتی بر پیروی نگارندگان خود از قواعد رسم‌الخط فرهنگستان زبان و ادب فارسی. رعایت قواعد نگارشی دست کم در مواردی که دارای قاعده‌ای مشخص و مقبول هستند می‌تواند به تحقق و گسترش یک رسم‌الخط واحد در بین جامع استفاده‌کننده بیانجامد.

منابع

- آخشیک، سمیه سادات؛ فتاحی، رحمت‌الله (۱۳۹۱). تحلیل چالش‌های پیوسته‌نویسی و جدانویسی واژگان فارسی در ذخیره و بازیابی اطلاعات در پایگاه‌های اطلاعاتی. *کتابداری و اطلاع‌رسانی*. (۳)، ۹-۳۰.
- احمدی نسب، فاطمه (۱۳۹۳). بررسی میزان مطابقت نشریات برتر ISC با دستور خط فارسی مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی. شیراز: نامه‌ی پارسی.
- بهمنیار، احمد (۱۳۷۷). *املائی فارسی*. لغت‌نامه دهخدا. (ج مقدمه، ص ۵۷۳). تهران: دانشگاه تهران.
- چلمقانی، علی؛ شهریاری‌فرد، آذرین (۱۳۹۲). آسیب‌شناسی توصیفی زبان فارسی در اینترنت. در علی‌رضا قلی‌فامیان (ویرایشگر)، *مجموعه مقالات نخستین هم‌اندیشی زبان فارسی و اینترنت*. (۱۸۵-۲۰۵). تهران: نشر نویسه پارسی.
- حری، عباس (۱۳۷۲). کامپیوتر و رسم الخط فارسی. *تحقیقات اطلاع‌رسانی و کتابخانه‌های عمومی*. (۳)، ۶-۱۱.
- خلخالی، نازیلا (۱۳۷۵). بررسی علمی شیوه خط فارسی. تهران: ققنوس.
- ذوالفقاری، حسن (۱۳۸۶). آسیب‌شناسی زبان مطبوعات. *رسانه*. (۱۸)، ۹-۴۲.
- رضانی، مریم (۱۳۸۶). بررسی مشکلات رسم‌الخط فارسی در بازیابی منابع از وب از دیدگاه کاربران و ارائه راه حل برای این مشکلات، پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه الزهراء، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، گروه علم اطلاعات و دانش‌شناسی، تهران.
- ستوده، هاجر؛ هنرجویان، زهره (۱۳۹۳). بررسی تنوع الگوهای نگارش فارسی و تاثیر آن بر جامعیت بازیابی اطلاعات: مطالعه موردی: پیکره همشهری. *فصلنامه کتابداری و اطلاع‌رسانی*. (۴۱)، ۱۱-۳۱.
- ستایش، حسن (۱۳۸۹). *نیم فاصله و نقش آن در نگارش کلمات مرکب*. سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی. (۴)، ۱۴۵-۲۶۰.
- سمیعی، احمد (۱۳۸۲). *نگارش و ویرایش*. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- شهریاری‌فرد، آذرین؛ چلمقانی، علی (۱۳۹۲). زبان فارسی در شبکه‌های اجتماعی اینترنتی. در علی‌رضا قلی‌فامیان (ویرایشگر)، *مجموعه مقالات نخستین هم‌اندیشی زبان فارسی و اینترنت*. (۲۷-۴۳). تهران: نشر نویسه پارسی.
- صادقی، علی اشرف؛ زندی مقدم، زهرا (۱۳۹۴). *فرهنگ املائی خط فارسی بر اساس دستور خط فارسی مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی*. تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
- عرب‌زاده، مریم (۱۳۹۲). ارزیابی وبلاگ‌های فارسی بر اساس معیارهای وبلاگ‌نویسی. در علی‌رضا قلی‌فامیان (ویرایشگر)، *مجموعه مقالات نخستین هم‌اندیشی زبان فارسی*. تهران: نشر نویسه پارسی.
- غلامحسین‌زاده، غلامحسین (۱۳۷۹). نقد «دستور خط فارسی» (متن پیشنهادی فرهنگستان زبان و ادب فارسی). *علوم انسانی دانشگاه الزهراء*. (۳۴ و ۳۵).
- فرهنگستان زبان و ادب فارسی (۱۳۸۹). *دستور خط فارسی*. تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی، گروه نشر آثار.
- کاشفی، امید؛ نصری، میترا؛ کنعانی، کامیار (۱۳۸۹). *خطایابی املائی خودکار در زبان فارسی*. تهران: شورای عالی اطلاع‌رسانی، دبیرخانه.

- کلاهدوزان، اکبر؛ معینی، منصوره؛ پاپی، احمد؛ عسگری، غلامرضا؛ ذوالفقاری، بهزاد (۱۳۸۳). بررسی توزیع فراوانی عدم رعایت اصول و قواعد نگارش فارسی در پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد ناپیوسته و دکترای دانشکده‌های پزشکی و داروسازی در سال ۱۳۷۸-۷۹. *دوماهنامه مدیریت اطلاعات سلامت*. ۱(۲)، ۵۰-۵۶.
- مجدد، امید (۱۳۸۷). نقدی بر پیوسته‌نویسی یا جدانویسی کلمات مرکب بر اساس دستور خط فرهنگستان و پیشنهادهایی تازه برای ساده کردن و تجمیع آن‌ها. *سیک شناسی نظم و نثر فارسی*. ۲(۲)، ۷۴-۸۷.
- نصیریان، ملیحه (۱۳۹۱). *مقایسه شیوه املائی مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی و شیوه املائی غالب در متون فارسی معاصر*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه پیام نور استان تهران، مرکز پیام نور تهران جنوب.
- هاشمی، سیدحمید (۱۳۹۰). بررسی کتاب‌های درسی سال تحصیلی ۸۸ - ۱۳۸۷ دوره ابتدایی از نظر میزان هماهنگی در جدایی یا اتصال پایه واژه‌های فعلی و غیرفعلی در کلمات مرکب. *پژوهش زبان و ادبیات فارسی*. ۲۱(۲)، ۱-۲۹.
- هنرجویان، زهره (۱۳۹۲). *بررسی تنوع الگوهای نگارش فارسی و تاثیر آن بر جامعیت بازیابی اطلاعات*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه شیراز، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، گروه علم اطلاعات و دانش‌شناسی، شیراز.

References

- Academy of Persian Language and Literature (2010). *guidelines of the Persian script*. Tehran: Academy of Persian Language and Literature, Department of Publications. (in Persian)
- Ahmadinassab, F. (2014). *Investigating the Conformity of Top ISC Publications with Persian Written Order of the Academy of Persian Language and Literature*. Shiraz: Nameye Parsi. (in Persian)
- Akhshik, S. S., & Fattahi, R. (2012). Analyzing the Challenges of Writing Persian Words Continuously and Separately in Data Storage and Recovery in Databases. *Library and Information Sciences*. (3), 9-30. (in Persian)
- Arabzadeh, M. (2013). *Evaluating Persian blogs based on blogging criteria*. In A. Gholifamian (editor), *Proceedings of the First Seminar of Persian Language*. Tehran: Neveeseh Parsi publications. (in Persian)
- Bahmanyar, A. (1998). *Persian spelling*. Dehkhoda dictionary. (Vol. Introduction, p. 573). Tehran: University of Tehran. (in Persian)
- Chalamghani, A., & Shahriarifard, I. (2013). *Descriptive Pathology of Persian Language on the Internet*. In Alireza G. (Editor), *Proceedings of the First Seminar of Persian Language and the Internet*. (pp. 1-8). Tehran: Neveeseh Parsi publications. (in Persian)
- Kolahdozan, A., Moieni, M., Papi, A., Asgari, Gh., & Zolfaghari, B. (2004). Frequency distribution of non-observance of Persian writing principles and rules in MA and Ph.D. theses. *Journal of Health Information Management*. 1(2), 50-56. (in Persian)
- Danesh, M., Minaei, B., & Kashefi, O. (2011). Challenging Massive Information Retrieval in Persian. *International Journal of Information and Education Technology*, 1(3), 212. (in Persian)
- Gholamhosseinzadeh, Gh. (2000). Critique of "guidelines of the Persian script Grammar". *Humanities of Al-Zahra University*. (34-35). (In Persian)

- Hashemi, S. H. (2011). A review of elementary school textbooks (2008-2009) in terms of the degree of coördination in Writing Words Continuously and Separately in verb and non verb compound words. *Research in Persian Language and Literature*. (21)1-29. (in Persian)
- Honarjooyan, Z. (2013). *Investigating the Diversity of Persian Writing Patterns and their impact on the recall of information retrieval*. Thesis Master's, Shiraz University, Faculty of Education and Psychology, Department of Information Science, Shiraz. (in Persian)
- Horri, A. (1993). Computer and Persian script. *Research on Information Science and Public Libraries*, 1(3), 6-11. (in Persian)
- Kashefi, O., Nasri, M., & Kanani, K. (2010). *Automatic Debugging to in the Persian*. Tehran: High Council of Information, Secretariat. (in Persian)
- Khalkhali, N. (1996). *A scientific study of the Persian script*. Tehran: Phoenix Publications. (in Persian)
- Majd, O. (2008). A Criticism of Writing Continuously or Separately compound words according to the guidelines of the Academy of Persian Language and Literature and new suggestions for simplifying and integrating them. *A quarterly journal of the stylistic of Persian poem and prose (bahar-i Danesh)*. (2), 74-87. (in Persian)
- Nasirian, M. (2012). *A Comparison of the Spelling Approved by the Academy of Persian Language and Literature and the Most Spelling in Contemporary Persian Texts*. Thesis Master's, Payame Noor University of Tehran, South Payame Noor Center, Tehran, Iran. (in Persian)
- Ramezani, M. (2007). *Investigating the Problems of Persian script in Retrieving Web Resources from the Perspective of Users and Providing Solutions to these Problems*. Thesis Master's, Al-Zahra University, Faculty of Educational Sciences and Psychology, Department of Information Science, Tehran, Iran. (in Persian)
- Sadeghi, A. A., & Zandi Moghaddam, Z. (2015). *Spelling culture of the Persian script according to the Persian script approved by the Academy of Persian Language and Literature*. Tehran: Academy of Persian Language and Literature. (in Persian)
- Samiei, A. (2003). *Writing and editing*. Tehran: the organization for researching and composing university textbooks in the Humanities (SAMT). (in Persian)
- Setayesh, H. (2010). Half-space and its role in Writing compound words. *A quarterly journal of the stylistic of Persian poem and prose (bahar-i Danesh)*, (4), 245-260. (in Persian)
- Shahriarifard, A., & Cholmaghani, A. (2013). *Farsi Language in Internet Social Networks*. In Alireza Gholifamian (editor), *Proceedings of the First Seminar of Persian Language and the Internet*. (27-43). Tehran: Neveeseh Parsi publications. (in Persian)
- Sotoudeh, H., & Honarjooyan, Z. (2014). Investigating the variety of Persian Writing Patterns and Their Impact on Recall of Information Retrieval: A Case Study: Hamshahri corpus. *Journal of Library and Information Sciences*. 11(41), 31. (in Persian)
- Zolfaghari, H. (2007). Pathology of the Press Language. *Media journal*. 1(18), 42-9. (in Persian)